

راهکارهای گسترش مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در نظم جدید جهان و جهان پسا آمریکا

نشست تخصصی



چهارمین نشست تخصصی از سلسله نشست‌های پیش رویداد نخستین اجلاس سالانه تغییر نظم بین‌الملل و ایجاد محور همکاری‌های جدید اقتصادی برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، با موضوع «راهکارهای گسترش مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در نظم جدید جهانی و جهان پسا آمریکا»، با حضور دکتر مصطفی خوش‌چشم (تحلیل‌گر ارشد مسائل بین‌الملل) و دکتر سارا امام‌قلی (استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی تهران) و دبیری دکتر حسن محمد میرزائی (مدیر مرکز مطالعات آمریکا)، شنبه ۶ اسفندماه در محل پژوهشکده شهید صدر (ره) برگزار شد.

راهکارها و توصیه‌های سیاستی

از مهم‌ترین راهکارها و توصیه‌های سیاستی برای گسترش روابط اقتصادی ایران در نظم جدید جهانی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

استفاده از دیپلماسی اقتصادی فعال

به این معنی که از اهرم‌های سیاسی و بین‌المللی برای دستیابی به اهداف اقتصادی استفاده شود و دولت بتواند در قالب آن دیپلماسی، روابط اقتصاد خارجی را مدیریت نماید و سرمایه خارجی را جذب کند. دیپلماسی اقتصادی، دامنه گسترده‌ای از نمایندگی‌های خارج از کشور و نهادهای داخلی را دربرمی‌گیرد. در واقع، دیپلماسی اقتصادی، فرایند برقراری ارتباط و تعامل میان یک کشور و جهان بیرون است و گسترده‌تر از دیپلماسی تجاری است و هدف آن به بالاترین حد رساندن دستاوردهای ملی در تمام حوزه‌ها مانند تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر مبادلات اقتصادی است. دیپلماسی اقتصادی باید سه هدف اساسی توسعه تجارت، جذب سرمایه خارجی و ارائه کمک‌های توسعه‌ای را داشته باشد. ابزارهای سیاستی: استفاده از رایزن‌های اقتصادی چین ۲۲۱ نفر و آلمان ۲۱۳ رایزن بازرگانی دارد و ترکیه ۱۷۹ رایزن و نماینده تجاری به ۱۱۰ کشور اعزام کرده است که برای افزایش حجم صادرات ترکیه، افزایش حجم سرمایه‌گذاری خارجی و کمک به تجار ترک در سایر کشورها برای حل چالش‌های آن‌ها، در قالب سفارتخانه‌ها فعالیت می‌کنند. بر اساس گفته‌های رئیس سازمان توسعه تجارت، تنها ۷ رایزن در کشورهای روسیه، چین، عراق، عمان، ارمنستان، آذربایجان و پاکستان مستقر هستند و ایران یکی از

خانم دکتر سارا امامقلی در چهارمین پیش‌نشست «اجلاس بین‌المللی تغییر نظم بین‌الملل»، با موضوع «راهکارهای گسترش مناسبات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در نظم جدید جهانی و جهان پسا آمریکا»، ابتداگذری بر بحران‌های بزرگ و جابه‌جایی قدرت‌های بزرگ داشتند و سپس در ادامه، به راهکارها و توصیه‌های سیاستی پرداختند.

مروری بر تاریخ قدرت‌های هژمونیک

بر اساس تجربه، در پی بحران‌های بزرگ، نظام اقتصاد بین‌الملل نیز دچار تغییر و تحول می‌شود. بحران‌های بزرگ، نشان‌دهنده جابه‌جایی میان قدرت‌های برتر هستند. بعد از بحران بزرگ (۱۹۲۹-۱۹۳۴) بریتانیا، قدرت هژمونیک خود را از دست داد و جای خود را به آمریکا داد. اکنون نیز قدرت‌های هژمونیک دیگری در حال ظهور هستند که آمریکا را به چالش می‌کشند (به دلیل کسر بودجه، کسری حساب جاری و بدهی ملی که از ابتدای ۱۹۸۰ در حال افزایش است، شیوع کرونا نیز منجر به بروز بحرانی بزرگ‌تر از بحران مالی ۲۰۰۸-۹ شده است). با وجود تضعیف قدرت ایالات متحده در منطقه و از دست رفتن جایگاه قدرت سیاسی آن، فشارهای تحریمی و تبعات آن بر ایران همچنان ادامه دارند. اگرچه شواهد، حکایت از گذر از نظم هژمونیک در روابط بین‌الملل دارد اما فشارهای تحریمی ایران همچنان روبه‌افزایش هستند؛ از آنجایی که نتایج تغییر در معادلات قدرت، به تدریج در اقتصاد سیاسی، خود را نشان می‌دهند، لازم است در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، منتظر نتایج تغییرات سیاسی نمایم و اقدامی برای برون‌رفت از مشکلات انجام دهیم.

ضعیف‌ترین کشورها در زمینه اعزام وابسته تجاری به کشورهای هدف است. رایزنان ایرانی در کشور عراق، تنها دو نفر هستند؛ در حالی که تعداد رایزنان ترکیه‌ای در این کشور به ۲۱ نفر می‌رسد.

ابزارهای سیاستی: وجود هماهنگی بین سازمان‌ها و نهادهای مختلف در راستای دیپلماسی اقتصادی هماهنگی و تعامل بین وزارت خارجه، اتاق‌های بازرگانی، وزارت صنعت، سازمان توسعه تجارت و حتی بانک مرکزی، در اثربخشی دیپلماسی اقتصادی تأثیرگذار هستند؛ برای نمونه، ساختار نهادی دیپلماسی اقتصادی ترکیه مبتنی بر مدل هماهنگی است؛ به این معنی که نهادهای مختلفی در طراحی و اجرای آن دخالت دارند و نهادهای بخش خصوصی هم بر روندهای دیپلماسی نقش ایفا می‌کنند.

ابزارهای سیاستی: استفاده از موافقت‌نامه‌های تجاری با سایر کشورها

موافقت‌نامه‌های تجاری با کشورهای غیر هم‌جوار (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) و موافقت‌نامه‌ها و تقویت روابط با کشورهای هم‌جوار و همسایه در قالب همگرایی‌های عمیق‌تر (اتحادیه‌های گمرکی، بازارهای مشترک، اتحادیه‌های اقتصادی و اتحادیه‌های پولی) ضروری است. پس از انقلاب، بیش از ۱۵۸ موافقت‌نامه دو یا چندجانبه بین ایران و سایر کشورها منعقد شده است اما به دلیل نبود نظارت بر عملکرد و میزان اثربخشی، قراردادها، کارایی خود را از دست داده‌اند. از بین این موافقت‌نامه‌ها تقریباً بیشترشان با کشورهایایی بوده‌اند که در میان شرکای تجاری ایران نیستند و رشد چشمگیری در تجارت با طرف مقابل حاصل نشده است و اقلام انتخاب‌شده برای گرفتن

ترجیحات تعرفه‌ای از نظر تعداد و ارزش صادراتی مبتنی بر اهمیت آنها در سبد صادراتی کشور نبوده است. تونس ۷، سوریه ۶، قزاقستان ۵ موافقت‌نامه و... اما کشورهایی مانند امارات متحده عربی، عراق و آلمان که همیشه در میان ۵ یا ۱۰ شریک اصلی تجاری ایران بوده‌اند حتی یک موافقت‌نامه گمرکی یا تجاری با ایران ندارند.

ابزارهای سیاستی: تقویت قراردادهای اقتصادی و تجاری با گروه‌های اقتصادی

مانند ۱- کشورهای عضو همکاری اسلامی؛ ۲- سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)؛ ۳- گروه ۸ کشور اسلامی (D۸)؛ ۴- کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس؛ ۵- کشورهای مستقل مشترک‌المنافع؛ ۶- کشورهای عضو همکاری جنوب شرقی آسیا (آسه آن)؛ ۷- اتحادیه اقتصادی اوراسیا؛ ۸- اتحادیه اروپا؛ ۹- سازمان شانگهای. تقویت همکاری با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا (روند تجارت اگرچه طی چندین سال صعودی بوده است اما طی سال‌های اخیر دچار کاهش شده است. شناسایی توان صادراتی ما و نیازهای وارداتی آنها می‌تواند تأثیرگذار باشد).

ابزارهای سیاستی: متنوع‌سازی طرف‌های صادراتی و وارداتی

از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۹ مجموع واردات و صادرات ۱۰ شریک نخست عمده تجاری بین ۳۶٪ تا ۷۷٪ بوده است و روند پرنوسانی داشته است که این موضوع می‌تواند تهدیدی برای روابط تجاری کشور باشد که مغایر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است؛ چرا که اتکای دست کم ۴۰٪ نیاز وارداتی به ۱۰ کشور می‌تواند به محدودسازی روابط ایران با تعدادی کشور منجر شود و در شرایط بحرانی از جمله تحریم، اگر کشورهای بالا، همکاری‌های لازم را

ایران در راهگذرهای بین‌المللی، به‌کارگیری شیوه‌های بازاریابی نوین در راستای معرفی مزیت‌های ترانزیتی کالا و ایجاد شرکت‌های معتبر چندمنظوره در سطح بین‌المللی، وجود نقشه راه و برنامه ملی کلان‌نگر برای اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری در کریدورها بر اساس سناریوهای تحولات آینده از عوامل مؤثر برای افزایش سهم کریدورهای ایران هستند. نیاز به زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای و نیز زیرساخت‌های فنی مانند محیط کسب‌وکار، ارتباط با نظام مالی بین‌المللی، ثبات سیاسی و امنیت در ایران که اهمیت آن‌ها به مراتب بیشتر است. راهکار سیاستی: ثبات وضعیت اقتصادی در داخل کشور ثبات در سیاست‌های ارزی و نظام قیمتی و تعرفه‌ای، بهبود فضای کسب‌وکار، کاهش رانت و فساد و ارتقای بهره‌وری، سبب شکل‌گیری روابط اقتصادی پایدارتر و مطمئن‌تر خواهد شد. قوانین مالی منظم می‌تواند وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و نوسانات قیمت نفت را کاهش دهد و به‌عنوان ضربه‌گیر در مقابل نوسانات عمل کنند؛ مانند قوانین مدیریت دارایی، بدهی، قوانین مالی کنترل مخارج دولت، ارتقای کیفیت مخارج عمومی دولت‌ها (هزینه مبتنی بر عملکرد)، حذف یارانه‌های بی‌هدف، شفافیت بدهی‌ها و حذف بدهی‌های پنهان.

• استفاده از موقعیت ژئوپلیتیک ایران در ذخایر گاز در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال ۲۰۰۰، سهم مصرفی انرژی‌هایی مانند نفت و انرژی هسته‌ای، از کل انرژی کاهش یافته است؛ درحالی‌که سهم مصرفی گاز از کل انرژی در سطح جهان افزایش یافته است و با توجه به موقعیت و ذخایر ایران، می‌تواند از این موقعیت استفاده کند.

برای تأمین نیاز کشور نداشته باشند، به بروز بحران، افزایش قیمت کالاهای وارداتی و ... منجر می‌شود.

راهکار سیاستی: لحاظ تحولات منطقه‌ای و تلاش برای حفظ جایگاه رقابتی

قرارداد ۶۰ میلیارد دلاری قطر و چین برای گاز مایع - سرمایه‌گذاری ۷ میلیارد دلاری عربستان در کره جنوبی و ساخت نیروگاه هسته‌ای توسط کره در عربستان - ترکیه از بزرگ‌ترین شرکای تجاری روسیه، تبدیل ترکیه به هاب بین‌المللی گاز، توافق ۱۰۰ میلیارد دلاری امارات و آمریکا در زمینه انرژی پاک.

راهکار سیاستی: توجه به کریدورها به‌عنوان یکی از ابزارهای توسعه

تجارت جهانی مبتنی بر راه‌های دریایی است و راه‌های خشکی نیز به‌عنوان مکمل به شمار می‌آیند. در دو سال اخیر، حجم ترانزیت ریلی، بیش از ۵۰٪ کاهش داشته است.

در صورت تکمیل زیرساخت کریدورهای داخلی و پیوستن به ابتکار کمربند و راه چین، روان‌سازی رویه‌ها در تبادلات مرزی و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت دیپلماسی حمل‌ونقل، ظرفیت ترانزیتی کشور، سالیانه به ۸۰ میلیون تن می‌رسد که سالانه درآمد ارزی معادل ۸ میلیارد دلار خواهد داشت (بیش از یک‌چهارم کل صادرات غیرنفتی) و اگر زیرساختی اضافه نشود و فقط برخی رویه‌ها بهبود یابند، می‌توان ظرفیت ترانزیت را به ۲۰ میلیون تن و درآمد ارزی بیش از ۲ میلیارد دلاری رساند.

عوامل مؤثر برای افزایش سهم کریدورهای ایران

تدوین برنامه راهبردی توسعه راه‌های ترانزیتی مبتنی بر نقاط قوت و ضعف، افزایش تعاملات میان نهادهای درگیر در توسعه ترانزیت، همکاری و تعامل با کشورهای ذی‌نفع در یک کریدور، بررسی رقابت‌پذیری راه‌های ترانزیتی

• جذب سرمایه خارجی

سهام FDI از GDP در سال ۲۰۲۰، حدود ۰٫۶۶٪ و پایین‌تر از ترکیه و عربستان است اما در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ بالاتر از متوسط منطقه منابوده است (۱٫۸۷٪).

• استفاده از مزیت رقابتی ظرفیت سرمایه انسانی ایران یکی از بالاترین جایگاه‌ها را در حوزه سلامت و آموزش در منطقه دارد. از نظر امید به زندگی، مرگ‌ومیر کودکان، بار بیماری‌های و آگیر و پیشرفت‌های به دست آمده در حوزه درمان و همچنین از نظر جایگاه دانشگاه‌ها و آموزش عالی در سطح جهانی (که بسیاری از دانشگاه‌های ایران در بین ۳۰۰ رتبه اول دانشگاه‌ها در جهان قرار دارند) که می‌تواند از این مزیت در توسعه روابط جهانی، مبادلات دانش و فناوری و ایجاد ارزش افزوده استفاده کند البته پیش‌نیاز این است که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران، تعاملات هم‌افزایی با دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها داشته باشند.

• استفاده رقابتی از فناوری‌های نوین، بلاکچین، هوش مصنوعی، قابلیت‌های گردشگری، فناوری‌ها و تجارت سازگار با تغییرات اقلیمی

باتوجه به تغییرات اقلیمی قابل توجه در سطح جهان و نیاز منطقه خاورمیانه، جای خالی ایران در سیاست‌های کربن صفر احساس می‌شود. کشورهای عربی، قراردادهای بزرگی در زمینه انرژی‌های سبز منعقد کرده‌اند: عربستان، مصر، عمان و امارات. استفاده از مزیت‌های مرتبط با صنعت گردشگری نیز قابلیت ارزآوری قابل توجه برای کشور دارد. نیاز به شناسایی و تقویت حوزه‌های دارای مزیت در گردشگری وجود دارد. هر توریسم سلامت می‌تواند ۳ برابر یک توریست عادی، ارزآوری ایجاد کند. بر اساس برآوردهای انجام شده، درآمد بالقوه

گردشگری سلامت، حدود ۵ میلیارد دلار است اما تقریباً حدود ۸۰٪ این بازار در اختیار دلان است.

دکتر مصطفی خوش چشم: آمریکا در مسیر سراسیابی است اما منتظر نمی‌ماند تا جابه‌جایی قدرت به راحتی صورت بگیرد و احتمالاً جهان با یک دهه چالشی روبه‌رو باشد.

روشن است که آمریکا در مسیر سراسیابی است اما جابه‌جایی قدرت در دنیا و ایجاد نظمی که حالا شروع شده است، به پدیدار شدن یک چالش بسیار بزرگ برای کل دنیا در یک دهه منجر خواهد شد. اینکه آقای مکرون در زمینه سیاست‌مداران، همین‌طور آقای جوزف کورل از دو سال پیش و بسیاری از متفکران دیگر از سال‌ها قبل تر اعلام کردند که جابه‌جایی قدرت از تمدن غرب به شرق در حال انجام است و جالب است که آخرین نفر هم صدراعظم آلمان بود که حدود دو ماه پیش بیان می‌کرد به دلیل این جابه‌جایی قدرت به آسیا و نه مسئله جنگ اوکراین که یکی از مسائل کنونی جهان است، روزهای خوب قدیم، دیگر بازگشت‌پذیر نیستند؛ بنابراین همه تقریباً در سطوح مختلف متفکرین تا اندیشکده‌ها، دانشگاه‌ها تا حتی مقامات سیاسی که دست کم در مدت دو سال گذشته، پیوسته این را اعلام کرده‌اند.

جابه‌جایی قدرت با چالش‌های پیوسته

اما اینکه در آینده دنیا، نظم به چه شکل خواهد بود، متفاوت از نظام تک‌بعدهی خواهد بود، به طور شفاف مشخص نشده است. یک بحث دیگر این است که تمدن غرب به‌ویژه آمریکایی منتظر نمی‌ماند که این اتفاق به‌سادگی رخ دهد و جابه‌جایی قدرت صورت بگیرد. یک دهه از چالش‌های پیوسته در دنیا را خواهیم داشت؛ جنگ اوکراین، یکی از

نمونه‌های آن است. قضیه تایوان و چین که هر روز هم تشدید می‌شود و سرانجام چین را برخلاف اینکه نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد اما به سمت جنگ سوق خواهند داد.

آمریکایی‌ها متخصص این کار هستند که شما را در یک موقعیت دوقطبی که راه پس و پیش نداشته باشید، قرار بدهند؛ یعنی اول «نانسی پلوسی» بدون اجازه و با تهدیدهایی که چینی‌ها داشتند و بدون اطلاع آنها، از یک راه ناشناخته به تایوان رفت سپس در سطح دولتمردان، استانداران و در سطح نماینده‌های مجلس و حالا دیگر قرار است که مقامات ارشد پنتاگون به تایوان بروند و به تدریج خط تولید تسلیحاتی پیشرفته‌ای برای تایوان، راه‌اندازی کنند و این یعنی دقیقاً همان کاری که با روسیه در اوکراین انجام می‌دادند؛ یعنی آوردن تهدید به مرزها، حالا در مورد چین حتی می‌شود گفت که داخل مرزها؛ به خاطر اینکه سیاست چین واحد را همه دنیا حتی خود آمریکایی‌ها به ظاهر و موضع اعلامی رسمی‌شان این است که قبول دارند، این را به داخل خاک می‌آورند؛ بنابراین چینی‌ها اگر بنشینند، وضعیتشان بدتر خواهد شد، اگر به جنگ بروند، وضعیتشان مثل روسیه دوباره در یک فرمول دو سر خسارت قرار می‌گیرد اما برخلاف همه محافظه‌کاری‌هایی که چینی‌ها دارند، مجبور به انتخاب هستند. باین‌حال که آمریکا جنگ‌های نیابتی و انواع جنگ‌های ترکیبی را با روسیه و چین به راه انداخته است، سبب نمی‌شود که برخلاف اینکه این دو، اولویت‌های یک و دو غرب هستند، از ما غافل شوند. با ما هم از مدت‌ها پیش یعنی قبل از اینکه استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه ما کم‌رنگ شود، فرمولی را ایجاد کردند. به این منظور که در این کم‌رنگ شدن حضور نیروی نظامی آنها، خلأ قدرت پیش نیاید و ایران نتواند جهش قدرت منطقه‌ای داشته باشد؛ بنابراین جنگ ترکیبی ای که می‌بینید، بخش‌های اساسی آن در ذیل همین فرمول انجام می‌شود. همه اینها قابل بحث است؛ یعنی اینکه آمریکایی‌ها حالا با ما دارند چه می‌کنند؟ چه حالا چه اهداف بلندمدتش و همچنین با چین و با روسیه.

تقویت همکاری راهبردی باتکیه بر علائق مشترک امنیتی در زمانی که چین و روسیه، سعی می‌کردند از آمریکا خلاص بشوند، کشور ما ۴۳ سال را گلاادیاتورگونه در مقابل آمریکا ایستادگی کرد و البته هزینه‌اش را هم دادیم. شهید دادیم، مردم سختی کشیدند، تحریم بودند و... این وضعیت را آن‌ها هم می‌بینند. یکی ثبات ارزی، کدام ثبات ارزی؟ این را چینی‌ها نیز می‌بینند، نه اینکه نخواهند، می‌خواهند. ما ۴۳ سال هزینه داده‌ایم، کار کرده‌ایم اما به تازگی روسیه هم مجبور شده است که گلاادیاتور شود. چین هم مجبور می‌شود که گلاادیاتور بشود. ما به سازمان شانگهای که یک سازمان امنیتی است، پیوسته‌ایم.

اتفاقاً علائق مشترک امنیتی سبب می‌شود که شما به هم نزدیک‌تر شوید و اولین جایی که بخواهید در آنجا سرمایه‌گذاری خارجی انجام دهید، جایی است که روابط سیاسی - امنیتی مستحکم‌تری داشته باشید؛ یعنی همکاری‌های راهبردی که می‌گوییم یک مسئله چندوجهی است. باید پیوندهای شما خیلی تقویت شده باشد اما این کار را شما نمی‌کنید؛ یعنی برخلاف همه هزینه‌هایی که داده‌اید.

نقطه قوت ما این است که در غرب آسیا، قدرت حاکم هستیم اما در روابطمان با دیگران، از این قدرت استفاده نمی‌کنیم. نمونه خیلی ساده و مصداقی‌اش این است؛ چینی‌ها همین که تروریست در سوریه، کمی عقب رفت، با وجود اینکه شاید هنوز تروریست‌ها ۵۰-۱۰۰ کیلومتر آن طرف بودند، به چند شهر در سوریه رفتند. شهر تخریب شده بود ولی چینی‌ها برای مهندسی بازسازی شهر، به دعوت بشار به آنجا رفتند و متوجه شدند که اینجا نمی‌شود با این وضعیت تا ۲۰ سال آینده

پاکستان به ترکیه برسید، آسان ترین، کم هزینه ترین و امن ترین راه کجاست؟ از پاکستان در شرق ما، می خواهید به ترکیه در غرب ما بروید. از جنوب شرق ما، می خواهید به شمال غرب بروید؛ بنابراین، در هر صورت از نظر منطقی باید از ایران عبور کنید اما به ویژه در رقابت های منطقه ای با ما یعنی رقابت اخوانی، سلفی و نعثمانی گرابی آن ها یا به قول خودشان هلال شیعی، راضی شدند ابتدا از پاکستان به افغانستان سپس آسیای میانه بروند. در دریای خزر، جنس را در کشتی پیاده کنند، دوباره آن طرف دریا سوار کنند و برای آذربایجان، از ارمنستان رد شوند و به نخجوان و در نهایت ترکیه برسند. اسمش را هم کریدور لاجورد گذاشتند. کار کریدور لاجورد این است که ایران را دور بزند؛ در صورتی که خیلی راحت می توانست از ایران رد شود؛ یعنی رقابت های سیاسی و ژئوپلیتیک، گاهی در خیلی جاها حتی به مسئله اقتصاد هم می چربد.

این رقابت منطقه ای ما است، در دنیا هم وقتی آمریکا می خواست از اینجا جابه جا شود، یک طراحی اساسی انجام دادند که زدن حاج قاسم بود، گام دوم آن بود و گام اول آن، پیمان ابراهیم بود؛ به این دلیل که ایران هم در راستای دکترین امنیت ملی اسرائیل و هم در راستای دو یا سه پروژه راهبردی آمریکا در قبال ایران است و همین طور با نظم جدیدی که در دنیا و آمریکا در حال پدیدار شدن است، مقابله می کند که قرار شد برای عدم جهش منطقه ای ایران، اسرائیل و اعراب و همین طور یک جاهایی ناتو به این شکل عمل کنند که به سمت پایین ایران در ضلع پیمان ابراهیم یعنی امارات، عربستان و... بیایند. امارات سال ها است مرکز جاسوسی های اسرائیلی است.

گام دوم به سمت شمال ایران، اربیل، ترکیه، نخجوان و آذربایجان است. رشد روزافزون حضور اسرائیل در این منطقه با جنوب تفاوت دارد؛ انواع تروریست ها، روبه روی آن با ما قرار دارند؛ ما را در موقعیت مشابه تایوان و اوکراین قرار داده اند. اگر شما با آذربایجان درگیر شدید، آن وقت دچار مشکل خواهید شد. اربیل

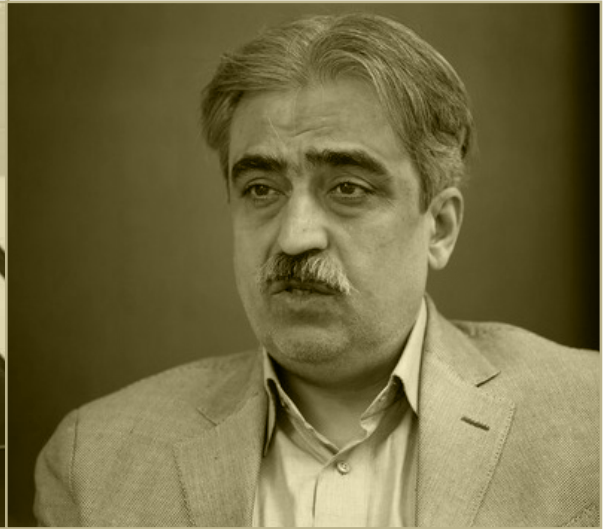
کار کرد. اول باید امنیت را تضمین کنند، به هر کس گفتند، جوابشان این بود که فقط ایران.

این یکی از مؤلفه های قدرت ما است، ما می توانیم در روابطمان از این استفاده کنیم. زمانی که پرچم داعش در سین کیانگ بالا رفت، چینی ها هنوز نمی دانستند که خلافت اسلامی چیست؟ در به در دنبال ما بودند که این داعش چیست؟ یعنی حاضر به امتیاز دهی های بسیار زیاد بودند برای اینکه مسئله امنیت ملی برایشان ایجاد شود و در این مسائل، ما بسیار به آنها کمک کردیم. منتهی بحث سر این است که نگاه ما راهبردی نیست، نگاه ما تاکتیک محور است.

راهبرد مبتنی بر تجارت خارجی

دومین راهبرد، راهبرد مبتنی بر تجارت خارجی است. قبل از اینکه آقای رئیسی روی کار بیاید، استراتژی سیاست خارجی اش مبتنی بر تجارت خارجی نوشته شد. وزیر خارجه و کل کابینه را مبتنی بر اقتصاد و تجارت انتخاب کنید؛ یک آدم تاجر مثل مهدی صفری یا یک آدمی با این خط فکری انتخاب کنید اما شما تیم درستی نیاوردید، همان آدم هایی هم که آوردید، تیم نیستند. تیم درست به این معنا که شما وقتی غرب محور را به یک رویکرد شرق محور تبدیل می کنید، می بایست دست کم یک وزیر با خودش ۱۰۰ مدیرکل بیاورد. تیم لیدرشیپ باید عوض شود. وقتی اصلاً وزارت شما تیم نمی آورد؛ یعنی با آن حوزه به طور کل نا آشنا است. بدیهی است که شما نمی توانید. آن هایی هم که آشنای به این حوزه هستند، مثل آقای امیر عبداللهیان مناسب این کار نیستند؛ یعنی شما تیم مناسب انجام کار را ندارید.

بسیاری از این راه حل ها، با عدد و رقم، از پیش بوده اند؛ مثل بحث کریدورها. برای اینکه شما بخواهید از



رقیب داخل این مجموعه هم عربستان می شود که خود عربستان، در پازل آمریکا و اسرائیل بازی می کند حتی اگر با شما چهار دور گفتگو داشته باشد که دور پنجم هم با وزرای خارجه باشد. این ظاهری و موضع اعلامی است. موضع اقدامی آن را عربستان و امارات، در زیر سرمایه گذاری اطلاعاتی و بیشتر سرمایه گذاری پولی جنگ ترکیبی علیه ما در کنار اسرائیل انجام می دهند و حالا مشکل سر این است که اگر قرار باشد شما اجازه دهید اسرائیل پیرامون ما کار خودش را بکند، امنیتان به خطر می افتند. اگر قرار باشد که تروریستی که در آذربایجان، نخجوان و خیلی جاهای دیگر هستند را بزیم، آن وقت تجارت خارجی چه می شود؟

حل مشکلات اجرایی و تضعیف دشمنان با استفاده از جنگ ترکیبی

مشکلات اجرایی در کشور وجود دارند. یک راه بیشتر وجود ندارد، آن هم این است که شما، دشمنانتان را با استفاده از جنگ ترکیبی تضعیف کنید؛ برای مثال در آذربایجان، حسینیون را تقویت کنید. خیلی کارهای

را که زدیم، باید هم می زدیم وگرنه این کارها را تروریست ها با ما می کردند که وحشتناک بود. اگر عربستان را هم به هر شیوه ای که بخواهید بزنید، باید جنگ ترکیبی باشد؛ یعنی نباید برای ما هزینه داشته باشد اما اگر آذربایجان را هم بزنید پس استراتژی تجارت خارجی که دولت می خواهد انجام بدهد، فارغ از اینکه تیم آن را ندارد، قرار است چگونه اتفاق بیفتد؟ در سال گذشته، در اوج تنش هایمان با آذربایجان، ۲۰٪ افزایش صادرات داشتیم. اگر قرار باشد شما با آن نیز دچار تنش شوید، اصلاً استراتژی دولت مبنی بر گسترش همکاری ها و تجارت خارجی با چه کشوری بوده است؟ کشورهای پیرامونی چین، روسیه، آمریکای جنوبی و آفریقا. آفریقا و آمریکای جنوبی که برای دولت، بیشتر شبیه به شوخی هستند؛ چراکه اصلاً کاری در این زمینه نکرده است. در مورد روسیه هم این روس ها هستند که تقریباً بیشتر از ۸-۹ ماه است که به دنبال ما هستند نه این که ما به دنبال آن ها برویم. در مورد چین هم خیلی ایرادات وجود دارد.

آقای رئیسی در همان روز اول، با شعار توجه به منطقه پیرامونی، روی کار آمد. شما تجارت خارجی را می خواهید افزایش بدهید، بی شک باید کاهش تنش منطقه ای داشته باشید؛ یعنی اولین

تنها مسئله آذربایجان، اقتصادی نیست، می خواهد این تکه زمین را بگیرد، راه ترکستان را از ترکیه باز کند، نخجوان هم که بخشی از آذربایجان است. اگر این یک تکه را بگیرد و به هم وصل شوند سپس آن طرف هم از بکستان، قرقیزستان، مغولستان تا سین کیانگ همه ترک هستند. این مسیر را می خواهند جاده ترکستان، امپراتوری ترک بگذارند.

این راه، یکی از رقبای جاده ابریشم ما است البته نمی تواند جای ما را بگیرد؛ چون هم به دریای خزر می خورد و هم راه، راهی است که باید از جاده یک و دو ما بگذرد ولی چینی ها استقبال کردند؛ چون می خواهند «هفت جاده» باشد؛ چرا یکی؟ سیبری هم یکی باشد. جاده جنوب ما، دریایی است که قرار شد از عربستان به جای یمن، هاب جدیدش باشد و اماراتی ها هم برای این مسئله ناراحت هستند، آن هم یک راهش است. در صورتی که راه یک و دو، ما هستیم و هیچ کاری نمی کنیم.

همه کشورهای دنیا در بحث ترانزیت، وقتی ریلی به کشور می آید، استقبال می کنند. اما در ایران، سیل کارخانه و آن کشور قبلی و کشور مبدأ یعنی افغانستان و چین را داریم. در ایران که قرار نیست این کانتینرها باز شود، مسئول هم برایش می گذارند. وقتی که سیل کارخانه، مهر و موم است و می خواهد به عراق و ترکیه برود، سر مرز آن را متوقف می کنند و می گویند سیل کارخانه را باز کن تا بازرسی صورت دهیم. ممکن است بمب باشد. گمرک اجازه این کارها را نمی دهد. اگر باز هم شوند، خریدار متوجه می شود که سیل آنها باز شده است و در نتیجه، چینی ها مجبور می شوند با هزینه ای بالا، یک تیم سیل کننده را نیز به همراه کانتینرها بفرستند. ما کار را شوخی گرفته ایم؛ در حالی که می دانیم چطور می شود کار کرد.

خلاصه مطالب این است که هزینه داده ایم، تولید قدرت کرده ایم و هنوز هم در غرب آسیا دارای این قدرت هستیم. چین و روسیه به ما نیاز دارند. روسیه که حالا به علت فشاری که غرب از نظر اقتصادی - تجاری به آن می آورد، به دنبال متحد تجاری است.

دیگری باید انجام می دادید ولی انجام ندادید. ما دو یا سه سال پیش، ۲۰ گزینه برای جنگ ترکیبی بر علیه اقدامات علی اف داشتیم، حالا گزینه هایمان به چهار می رسد؛ زیرا وحدت رویه و سیاست گذاری و نگاه مشترک در کشور وجود ندارد و آخرین گزینه جنگ است. آن قدر کار درست را انجام نمی دهیم تا به همان یک گزینه برسیم. آن وقت مجبور می شویم.

اشتباه های مسلم ما است؛ یعنی کشور می داند که کریدور جاده ابریشم به کنار، شمال به جنوب و چندین کریدور منطقه ای محدود دیگر وجود دارد که اینها را باید فعال کند. اگر روس ها در زمینه تعویض کریدور شمال به جنوب پیش گام نشده بودند، به خاطر وضعیتی که دارند، فکر کنم تا سال های دیگر هم ما این کار را درست انجام نمی دادیم. برخلاف اینکه مثلاً در پیمان اوراسیا، ما در دوره روحانی، با آنها پیمان ترجیحی بستیم. آن موقع ۵۰۱ قلم کالا وجود دارد، چون کریدور دوطرفه است، چون دلار اینجا گران است، نه مثل حالا، تازه آن زمان، تولید به صرفه بود و واردات برای آنها جا داشت؛ یعنی ما می توانستیم به راحتی صادر کنیم. ۵۰۱

قلم کالا و برای هر کالا، چهار کارخانه در نظر بگیرید، دو هزار کارخانه می شود. برای هر کارخانه، بین دو بیست تا هزار نفر حساب کنید؛ اگر میانگین را پانصد بگیرید، یک میلیون شغل است، یک میلیون خانواده است، یک میلیون وضعیت بهتر است حتی مجموعه اوراسیا اصرار دارد که ما عضو پیمان بشویم نه تنها تعرفه ترجیحی بلکه عضو پیمان بشویم.

ما بحث کریدور را شوخی گرفتیم

شما هر جایی نمی توانید کریدور باز کنید. کریدور فقط شامل ریل و جاده نمی شود بلکه شامل خطوط انرژی هم می شود. در بحث آذربایجان و ارمنستان،

شرایطی است که دنیا در حال تغییر است و به نقش کشور ما اعتراف می‌کند و همه هم به این نقش ما در این بخش از جهان نیاز دارند، امکانات گسترده‌ای داریم اما استفاده نمی‌کنیم و اگر استفاده نکنیم تا کمتر از یک دهه آینده در دنیای جدیدی که پدید می‌آید، دنیایی که تک‌قطبی نیست، گروه‌بندی‌هایی مثل شانگهای، بریکس و... تعیین‌کننده هستند، ما برخلاف همه هزینه‌ها، بازیگر اصلی نخواهیم بود.

امروزه چین که قدرت دوم اقتصادی دنیا است، تعدادی قرارداد با ما بسته است. در آینده که به‌عنوان قدرت اول تثبیت شد، آن زمان بی‌شک شرایطش فرق می‌کند؛ چون مسئله فقط اقتصاد نیست؛ در پی آن، قدرت اول سیاسی و نظامی دنیا هم می‌شود. همین حالا در بخش دریایی، قدرت اول است. از نظر تعداد شناورهای سطحی و زیرسطحی، ۵۷ عدد بیشتر از آمریکایی‌ها، شناور دارد. بالای ۳۰۰ شناور نظامی چینی هم زیر سطحی و هم روی سطحی، در سطح آب‌های دنیا، حضور دارند؛ بنابراین اگر ما به تدریج نتوانیم از مزایای کنونی که داریم، استفاده کنیم حتی اگر آمریکایی هم نباشد، باز دچار مشکل هستیم. چون خودمان را در جایگاه مناسبی که پتانسیل بسیار بالایی برایش داریم، تعریف نکرده‌ایم پس خیلی مهم است که کشور با کنشگری هم در سطح تجارت خارجی و منطقه‌ای و... و هم در کنشگری با قدرت‌های آینده دنیا که از همین حالا قدرت دارند، در تعامل پویا و مثبت قرار بگیرد نه تعامل منفعلانه. به یک سری تغییرات نیاز دارد؛ از جمله تغییر نگرش، یعنی کشور ما صرفاً به شعار غرب بد است؛ بنابراین باید با شرق خوب باشیم، عادت کرده است ولی امروزه در این زمینه حتی کاری هم نمی‌کنیم.

به قول آقای پوتین در داووس شرقی که رهبران منطقه‌ای در آن می‌نشینند، قرقیزستان، تاجیکستان، رهبر چین و... ۸ بار گفت که ایران، ایران، ایران. وی به این مسئله اشاره کرد که در رابطه با غرب دچار مشکل شده‌اند، با اروپایی‌ها که در حال جنگ هستند؛ بنابراین اگر بخواهد با هندوستان و جنوب آسیا، تجارت کند، به کریدور شمال به جنوب و به ایران نیاز دارد. اگر بخواهد با آفریقا، آمریکای لاتین، به آب‌های گرم برسد، کریدور شمال جنوب ایران نیاز است. برای همین است که وقتی به آنها می‌گوییم سرمایه‌گذاری کنید، دیگر شرط خاصی ندارند ولی ما توان پردازش و مدیریت کردنش را نداریم و گرنه که امکان بسیار خوبی برای ما وجود دارد. این واقعیت صحنه در زمینه روسیه است.

در زمینه چین هم همین‌طور، یعنی چین هم به دنبال یک لنگرگاه امن در بخش آسیا می‌گردد. ما مزیت‌های بسیار زیادی داریم نه تنها در حوزه محور مقاومت. این را تقریباً همه دنیا نه تنها در بازار ۸۰ میلیونی ایران بلکه در بازار ۴۰۰ میلیونی همه فهمیده‌اند که اگر شما بخواهید کار ادامه‌دار بکنید، باید روابط با ایران درست باشد. حالا یا از راه دوستی یا دست کم نباید مشکلی داشته باشید. این تنها بخشی از آن است؛ تنگه هرمز، بخشی است که امنیتش دست ما است؛ امنیت انرژی دنیا.

اینکه ما خودمان دشمن آمریکا هستیم و همین که شیر نفت و گاز ما در دستان رقبای چین و دشمنان چین نیست، یک مزیت بسیار بزرگ است اما آیا ما از این وضعیت استفاده کرده‌ایم؟ خیر! مشکل ما همین جا است؛ یعنی سال‌ها است همه عقیده دارند که این اتفاقات باید بیفتد؛ درحالی‌که ساده‌تر از این هم اتفاق نمی‌افتد. در همین دولت، ساده‌ترین کار این است که از ترکمنستان که ریل هم داریم، از سرخص سالانه میلیون‌ها تن زغال‌سنگ به سمت جنوب حمل کنیم. خیلی کار ساده‌ای است. می‌خواهم بگویم که این همه هزینه داده‌ایم، تولید قدرت کرده‌ایم، حالا شرایط،

کنشگران، معادلات جدید را درک کردند و در حال تغییر رویه هستند. یک نمونه دیگر؛ به تازگی یکی از مقامات چین که به ایران آمده بود، از ما گلگه داشت و این مسئله را مطرح کرد که پروژه‌هایی که با ما انجام می‌دهند، شش سال طول می‌کشد و آخر هم به نتیجه نمی‌رسند اما در امارات، آن را یک‌ساله انجام می‌دهند. آیا امارات، تغییر مناسبات در فضای جدید جهان را نمی‌فهمد؟ اماراتی که از غربی‌ها الگو می‌گیرد. از آن‌ها بدتر، عمانی‌ها هستند که تمام سیستم سیاست خارجی‌شان، در دست انگلیسی‌ها است ولی به سرعت، تغییر رویه داده‌اند؛ چون معادلات جدید را فهمیدند.

چرا امارات و عربستان، روسیه را در قضیه اوکراین محکوم نمی‌کنند؟ چرا هر جا می‌توانند، وسط بازی می‌کنند؟ برای اینکه آن‌ها هم فهمیدند که آینده دنیا در شرق است؛ یعنی حتی عربستان کند ذهن، در زمینه سیاست خارجه‌اش، از وسط بازی، شروع کرده است. آیا مثل ما تنها منتظر این هستند که ببینند که این تقابل غرب و شرق به کجا می‌رسد؟ ما که به خاطر بسیاری از دلایل، این همه هزینه داده‌ایم، کار عملیاتی درستی انجام نمی‌دهیم؛ یعنی هزینه‌اش را داده‌ایم، نتیجه‌اش را برداشت نمی‌کنیم. به این کار مهم باید رسیدگی کنیم. مسیر ایران کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین کریدور برای چین است.

در ادامه، در پاسخ به یکی از سؤالات حاضرین در نشست مبنی بر «آیا در بحث کریدورها، چین هنوز ما را دور نزده است؟» افزود: اصلاً چین راه دور زدن ندارد؛ چرا که کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین مسیر، ما هستیم. مسیر تاریخی (جاده ابریشم، یک و دو) ما هستیم. جاده

یک تقریباً از میانه به جنوب و جاده دوم از میانه به شمال می‌گذرد. حالا شما به این فکر کنید که این مسیر تنها ۷۰-۸۰ کشور تا اروپا است که آنجا دریایی و آمریکا هم تقریباً یک‌طرفه است البته قرار نیست کریدور یک‌طرفه باشد ولی تقریباً ۷۰٪-۸۰٪ چین به این طرف است. باتوجه به اینکه قدرت جوان و در حال رشدی است. در این مسیر اگر قرار باشد، منحرف شود، مثلاً از ترکستان عبور کند، عبور آن در خزر بسیار طول می‌کشد یا اگر بخواهد از طریق دریا، راه جنوبی‌اش را امتحان کند یا هر راه دیگری، هرگاه راه طولانی شود، هزینه هم بالا می‌رود؛ بنابراین مشتری کمتر و طول زمان زیاد می‌شود. اصلاً ترانزیت چه صادرکننده چه خریدار و مشتری، یکی از مسائل اصلی است. زمان خیلی مؤثر است؛ بنابراین جایگزینی برای ما ندارد.

دوم اینکه، خیلی‌ها فکر می‌کنند که ابتدا تحریم و سپس منزوی شده‌ایم. نگاه دیگر این است که اول منزوی و سپس تحریم شده‌ایم و نگاه ما این است که هر دو باهم رخ داده‌اند. کشور میانمار که کشوری ضعیف است، چرا تا به حال کشوری نتوانسته است بانک مرکزی آن را تحریم کند؟ چون یکی از خطوط اصلی انرژی چین، از میانمار می‌گذرد و این کار محال است. چینی‌ها حتی اگر تحریمی هم وضع شود، به هیچ‌عنوان رعایت نخواهند کرد. آمریکایی‌ها عادت ندارند که تحریمی بگذارند که می‌دانند از پیش شکست خورده است؛ زیرا نمی‌خواهند ابهت قانون و ابهت خودشان تضعیف شود. بانک مرکزی ما زمان زیادی است که در چندین لایه تحریمی است. حالا مشکل ما هم اساساً همین است. چون خودمان تلاش نکردیم که جزء کریدورها باشیم. حالا دیگر، دیگران جلو نمی‌آیند؛ چون می‌دانند ما هم در این رابطه جدی نیستیم. حالا هم که در دوره آقای رئیسی، ما را عضو شانگهای کردند، باز کار سرعت ندارد و طولانی شده است یا تیم مناسب نداریم

خودشان هم این مسئله را می‌گویند اما نقدشان از ما این است که می‌گویند شما کار نمی‌کنید؛ بنابراین توقع نداشته باشید که ما جایگزینی انتخاب نکنیم. ما جاده‌های دیگری داریم. ترانزیت‌ها و جاده‌های دیگر را فعال می‌کنیم.

وگرنه چینی‌ها خیلی تمایل دارند همکاری کنند؛ اصلاً بهترین راه برایشان همین است. ما شریک راهبردی آنها به شمار می‌آییم. چینی‌ها می‌گویند اول کوتاه‌ترین راه برای آنها ایران است، در کنار ایران، ۷ راه دیگر هم می‌خواهند؛ زیرا حجم کالایی که می‌خواهند ارسال کنند، خیلی بالا است. ما کار نمی‌کنیم وگرنه مزیت ما از نظر امنیتی، لنگرگاهی، کوتاهی راه و...، به هیچ‌عنوان قابل جایگزینی نیست. چینی‌ها

